



بحران اقتصادی کمی روندهای واگرایی را تقویت کرد. یعنی بسیاری از کشورها تشخیص دادند که اگر از منطقه پولی اروپا خارج شوند و رو بیاورند به سیاست‌های ملی گرایانه در مقابل سیاست‌های جمع گرایانه اتحادیه اروپا، می‌توانند این بحران را مهار کنند. دولت‌های رده پایین تری مثل یونان، ایتالیا، اسپانیا تا مرز ورشکستگی پیش رفتند

خارج شوند. چنانچه ایران بتواند فشارها و تحریم‌ها را از خود دور کند شرایط خوبی است که وارد تجارت با کشورهای اتحادیه اروپا شود. اما اول باید مشکلات سیاسی حل شود. آن وقت نوبت تعاملات تجاری می‌شود.

شما آینده اتحادیه اروپا را چطور

ارزیابی می‌کنید؟ شاهد همگرایی

بیشتر در اروپا هستیم یا واگرایی‌ها

افزون‌تر خواهد شد؟

روند کلی دنیا را نمی‌شود خیلی دقیق بررسی کرد، ولی اگر بخواهیم آینده پژوهی علمی بکنیم، نه نظر آمریکا که می‌گویند جهان هژمون هست و تک قطبی است. به نظر من دنیا به سمت «تک چندقطبی» و در آینده دراز ممکن است «چندقطبی» شود. پیش بینی‌هایی که در مورد توسعه چین، احیای روسیه و قدرت‌های نوظهوری که مثل هند انجام می‌شود، فکر می‌کنم در آینده یک سری بلوک‌های اقتصادی سیاسی چنگانه را در دنیا شاهد هستیم. یعنی چین ممکن است که تا سال ۲۰۵۰ به همپایگی آمریکا برسد. اتحادیه اروپا هم یکی از بلوک‌های قدرت هست و در این جهان چندقطبی آینده، اتحادیه اروپا می‌داند که لحظه‌ای درنگ و توقف نسبت به قدرت‌های دیگری که رشدشان را دارند ادامه می‌دهند یا در حال ظهور هستند منجر به عقب ماندن آن‌ها خواهد شد. من آینده اتحادیه اروپا را یک بلوک قدرتمند و تاثیرگذار می‌بینم.

بحران اقتصادی کمی روندهای واگرایی را تقویت کرد. یعنی بسیاری از کشورها تشخیص دادند که اگر از منطقه پولی اروپا خارج شوند و رو بیاورند به سیاست‌های ملی گرایانه در مقابل سیاست‌های جمع گرایانه اتحادیه اروپا، می‌توانند این بحران را مهار کنند. دولت‌های رده پایین تری مثل یونان، ایتالیا، اسپانیا تا مرز ورشکستگی پیش رفتند. طبیعی هست که احزاب ضد یورو طرفدار بیشتری دارند که مدعی اند می‌توانند از طریق سیاست‌های ملی گرایانه و خروج از منطقه یورو منافع کشورشان را بهتر تامین کنند. ولی به نظر من این بحران که عده‌ای آن را بحران سرمایه داری تلقی می‌کنند گذرا هست و ممکن است که درصد ترکیب پارلمان اروپایی را تغییر بدهد ولی با توجه به سیاست‌هایی که اتحادیه اروپا در پیش گرفته و تاکنون هم موفق بوده، من فکر می‌کنم که روند غالب همان روند همگرایی است و این واگرایی‌ها مقطعی و گذراست.

ایران از این بحران اقتصادی اروپا

می‌تواند استفاده کند؟

به نظر من ایران زمانی می‌تواند استفاده کند که ابتدا مشکلات اساسی خود را در سطح جهانی حل کند. به شرط این که ایران بتواند در اثر این رکود سهم خاصی از بازار تولیدات اروپایی را به خودش اختصاص بدهد. در شرایط رکود کشورها به دنبال بازار بیشتری می‌گردند تا بتوانند از رکود

را در مقابل آمریکا که فرآتلانتیک هست

به وجود بیاورد. فرانسوی‌ها در طی جنگ آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۳ بیشترین مخالفت‌ها را داشتند ولی هم جنبه تک روانه دارند و هم جنبه همه جانبه بودن. به نظر من این قضیه لشکرکشی فرانسه به آفریقای مرکزی ناشی از مشکلات داخلی این کشور است. اروپا در حال گذراندن دوران خیلی سختی از لحاظ اقتصادی است. بحران اقتصادی بحران کمی نبود. مشکلات وقتی در داخل زیاد هست، سیاستی که دولت‌ها گاهی مواقع در پیش می‌گیرند، شیفت کردن این مشکلات به بیرون از مرزهاست. مثلاً یک حمله نظامی، یک جنجال خبری یا حتی به صورت لشکرکشی نظامی. به تعبیر من فرانسه در شرایطی قرار داشت که برای این که بتواند کمی از مشکلات داخلی را بیرون بفرستد دست به حمله زد و شما می‌بینید که شورای امنیت هم مجوز داد و توجیه قانونی برای آن ایجاد کرد. اگر کشورهای دیگر اروپایی شرکت نکردند به خاطر وضعیت بد اقتصادی است که در آن قرار گرفته اند.

گزارش‌ها از انتخابات پارلمانی اتحادیه

اروپا که در سال ۲۰۱۴ برگزار می‌شود

حاکم از افزایش محبوبیت احزاب

ضد یورو در کشورهای اروپایی است.

به نظر شما تاثیر نتایج این انتخابات در

همگرایی اروپا چگونه خواهد بود؟